**باسمه تعالی**

**خارج اصول**

۹/۱۲/۹۱ تزاحم - مرجحات باب تزاحم

**مرجحات باب تزاحم(ترجیح غیر مشروط به قدرت شرعیه بر مشروط به قدرت شرعیه)**

بحث سر مرجح اول از مرجحات باب تزاحم بود که تقدیم حکمی که مقید به قدرت شرعیه نیست بر حکمی که مقید به واجب شرعیه هست بحث این بود که اگر حالا نتوانستیم صغرویاً تشخیص بدهیم که حکمی قدرت در ملاکش دخالت دارد یا ندارد و به تعبیر دیگر قدرتش عقلیه است یا شرعیه است تکلیف براساس اصول عملیه چیست کلام شهید صدر را آغاز کردیم شهید صدر فرموده بودند که مسئله سه صورت دارد یکی صورتی که در دو تکلیف مورد نظر در هر دو تکلیف شک مطلق داریم احتمال می‌دهیم شرعی باشد احتمال می‌دهیم عقلی باشد قدرت در آن صورت دوم این هست که یکی‌اش را یقین داریم شرعی است در دیگری شک داریم صورت سوم که یکی را یقین داریم عقلی است در دیگری شک داریم در صورت اول ایشان فرمودند که مجرا مجرای تخییر هست به دلیل اینکه ما یقین داریم در مورد هر یک از این دو واجب که اگر به واجب دیگر اشتغال نورزید تکلیف واجب است اگر اشتغال بورزید شک داریم برائت جاری می‌کنیم در مورد دیگری هم همین مطلب را شک داریم برائت از هر دو جاری می‌کنیم این یک صورت،‌صورت دوم جایی یکی را یقین داریم شرعی است در دیگری شک داریم که شرعی هست یا عقلی هست پرسش:... پس اول حکم شرعی بودن ... پاسخ: تخییر پرسش:... نه یعنی عملاً کأن هر دو شرعی .... پاسخ: حالا تخییر تعبیر می‌کنیم عملاً نه پرسش: نه می‌خواهم بگویم حکم آن را دارد ... پاسخ: نه حالا خیلی اصرار نداریم با آنها مقایسه‌اش کنیم. صورت دوم جایی هست که یقین داریم یکی شرعی است در مورد دیگری شک داریم شرعی هست یا عقلی هست تقریبی بود برای اینکه دلیل مشکوک را باید بر دلیل اول مقدم داشت به دلیل اینکه انجام دلیل مشکوک قطعاً تأمین کننده ملاک شارع هست ولی انجام دلیل دوم معلوم نیست

ملاک شارع را تأمین کند حالا مرحوم آقای صدر جواب دادند که در واقع که اینجا شک بازگشت به این می‌کند که دلیل مشکوک در ظرفی که شما دلیلی که قدرت بر آن شرعی هست را انجام می‌دهید آیا در این صورت هم ملاک دارد یا ملاک ندارد شما یقین دارید که اگر دلیلی که قدرت در آن شرعی هست را انجام ندهید قطعاً ملاک دارد ولی اگر انجام بدهید هم ملاک دارد یا ملاک ندارد آن مشکوک است و اینجا در واقع برائت نسبت به دلیلی که مشکوک هست که قدرت در آن شرعی هست یا عقلی هست اجراء می‌شود بنابراین در واقع شما احتیاج که می‌خواهید بکنید برای این هست که آن ملاکی که احتمالاً در حکمی که مشکوک هست آن ملاک احتمالی را استیفاء کنید دیگر آن ملاک چون احتمالی شد برائت نسبت به او جاری می‌شود جایی که یقین داریم ملاکی وجود دارد نمی‌دانیم که این ملاک را می‌شود استیفاء کرد یا نمی‌شود استیفاء کرد خب مجرای برائت نیست مجرای احتیاط است آنجا اگر اصل ملاک‌دار بودن دلیل مشکوک در فرضی که حکم مقید به قدرت شرعی را انجام بدهیم شک داریم پس برائت جاری می‌شود این محصل فرمایش آقای صدر بود که در جلسه قبل عرض کردیم حالا قبل از اینکه صورت سوم را حکمش را بیان کنیم بد نیست همین دو صورت را بررسی‌اش را عرض کنم به نظر می‌رسد که در این دو صورت اولاً یک بحث مبنایی وجود دارد که در این بحث تأثیرگذار هست که آن را حالا بعداً عرض می‌کنم فقط اصلش را عرض می‌کنم آن این هست که آقای صدر در جایی که دوتا حکم مشروط به قدرت شرعی هست قائل به تخییر شدند ما گفتیم آنجا عرفاً آنکه سبب موضوع حکم است زودتر تحقق پیدا می‌کند او فعلی می‌شود و مقدم می‌شود بر حکم دیگر این تأثیرگذار هست در این بحث این مبنا حالا این یک مرحله که حالا میزان تأثیر آن را بعداً عرض می‌کنم اما فرض را بر این می‌گیریم که در دوتا شییء که قدرت شرعی دارند هیچگونه مرجحی که یکی را بر دیگری ترجیح بدهد وجود ندارد آیا این جوری که شهید صدر فرمودند باید رفتار کرد به نظر می‌رسد نه این جور مطلب درست نیست همان علم اجمالیی که قبلاً عرض کردیم که در جایی که یقین داریم هر دو تکلیف مشروط به قدرت شرعیه هستند گفتیم اینجا علم اجمالی داریم

و علم اجمالی داریم که قطعاً یکی از اینها واجب هست حالا صورت اول را شروع کنیم ببینید دوتا تکلیف داریم در فرضی که ما هر دو را که نمی‌توانیم انجام بدهیم مثلاً صلاة و ازاله اگر صلاة انجام ندهیم ازاله قطعاً واجب است چون یا ازاله مطلقاً واجب هست قدرت در آن شرعیه نیست یا قدرت هم شرعیه باشد با فرض اینکه شما ترک بشود این قطعاً واجب می‌شود دیگر همچنین در مورد ازاله، اگر ازاله را ترک کنیم یعنی ما بالأخره یکی از این دو فرض تحقق دارد یا صلاة را ترک می‌کنیم ازاله حتماً واجب است یا ازاله را ترک می‌کنیم صلاة حتماً واجب است پس در هر صورت یقین داریم یک واجبی اینجا وجود دارد علم اجمالی داریم به وجوب و این علم اجمالی مقتضای این هست همان بحثهایی که کردیم که علم اشتمالی اقتضاء می‌کند که احتیاط کامل را احتیاط کامل که نشد القدر الممکن من الاحتیاط را باید انجام داد قدر ممکن از احتیاط را هم با توجه به اهمیت احتمال و محتمل آن طرفی را که مجموع اهمیت احتمال و محتملش بیشتر شد آن را باید ترجیح داد و آن یکی را کنار گذاشت خب اگر نه از همه جهات مساوی شدند بحث تخییر می‌آید بله نهایتاً گاهی اوقات هم با تخییر، اینجا فقط یک نکته‌ای را باید توجه بکنیم ببینید فرض کنید حالا من صورت دوم بحث را روی آن تطبیق می‌کنم شبیه این را روی صورت اول هم می‌شود تطبیق کرد صورت دوم این بود که مثلاً صلاة را می‌دانیم قدرت در آن شرعی است در مورد ازاله نمی‌دانیم قدرت شرعی هست یا عقلی هست اینجا یکی از چیزهایی که در این وسط مهم است درصد احتمال عقلی بودن قدرت در دلیل دیگر هر چی احتمال عقلی بودن قدرت در دلیل دیگر بیشتر باشد احتمال مرجحیتش بیشتر است یعنی چون مشروط به قدرت عقلیه مقدم هست بر مشروط به قدرت شرعیه یعنی در واقع اینجا این جوری تعبیر بکنم ما سه‌تا از مرجحات وجود دارد یکی از مرجحات به اصطلاح اهمیت محتمل یکی از مرجحات میزان احتمال اهیمت یکی هم ترجیح مشروط به قدرت عقلیه بر مشروط به قدرت شرعیه اینها هر سه‌شان اینجا اثرگذار هستند یعنی احتمال اینکه فرض کنید که اگر آن چیزی که مشکوک،‌ازاله پنجاه درصد احتمال دارد که قدرتش عقلی باشد بنابر پنجاه درصد اصلاً صلاة ملاک ندارد احتمال

ملاک داشتنش این با توجه به اینکه آن ملاک دخیل در ملاکش هست پنجاه درصد هست که با وجود این اصلاً ملاک ندارد یعنی آن احتمالاتی که در مورد صلاة احتمال و محتمل را در نظر می‌گیریم باید ضربدر پنجاه درصد بکنیم پنجاه درصد احتمال دارد که با وجود آن اصلاً ملاک نداشته باشد بنابراین فرض کنید اگر احتمال ملاک‌داری که در نظر می‌گیریم یکی از نکاتی در احتمال ملاک‌دار بودن صلاة دخالت دارد این بازگشت به آن معنای احتمال ملاک است ولی احتمال ملاک‌داریش تابع این هست که چه مقدار احتمال شرعی بودن قدرت در دیگری بالاتر باشد یعنی این کاملاً دخالت دارد در این بحث که این را باید در محاسبات دخیل بدانیم پرسش:... احتمال عقلی بودن پاسخ: احتمال عقلی بودن یعنی هر چی احتمال عقلی بودن قدرت در ازاله بالاتر برود احتمال ترجیحش بالاتر می‌رود فرض کنید که صلاة‌ملاکش صددرصد است یعنی در فرضی که صدر درجه ملاک دارد اگر ملاک داشته باشد صد درجه است ولی احتمال اینکه ازاله مقید به قدرت شرعیه باشد نود درصد احتمال دارد مقید به قدرت شرعیه باشد این نود درصد یعنی ده درصد فقط احتمال دارد شرعی باشد این احتمال ملاک‌دار بودنش در صورتی هست که اولاً آن شرعی باشد ثانیاً بر فرض شرعی بودن هم مقدم باشد چون اگر گفتیم هر دو شرعی باشند باز هر کدام احتمال و محتملش قوی‌تر هست او را باید در نظر گرفت اینجا بر فرض شرعی بودن که آن خودش احتمالش ده درصد است بنابر این فرض اگر شرعی باشد باز باید دید کدام احتمالش قوی‌تر است کدام احتمالش ضعیف‌تر است اینها را در چیز پرسش:... خودش مقدم بر آن دوتا ... پاسخ: این در واقع ضرب می‌شود نه مقدم نیست یعنی پرسش:... فرض بفرمایید آن جهاتش باهم مساوی از یک جهاتی آن بچربد آن جهت که ... پاسخ: فرض کنید آن هزار درجه احتمال صلاة باشد ولی این هزار درجه به درصد احتمال تحقق دارد چون شرطش این هست که قدرت در ازاله شرعی باشد که تازه موضوع پیدا کند شرعی باشد و مؤخر باشد این دوتا اگر احتمال شرعیتش خب ده درصد باشد بر فرض شرعیت، پنجاه پنجاه باشد مثلاً این می‌شود ده درصد احتمال شرعیت در فرض شرعیتش هم ده به ده هست مثلاً ده

درصد می‌شود پنج درصد، پنج درصد را اگر در هزار درجه احتمالی که هست ضرب کنیم می‌شود پنجاه درجه احتمال این پنجاه درجه احتمال حالا آن یکی را درست است نود درصد احتمال دارد مقدم باشد ولی این نود درصد بنابر آن هم مثلاً پنجاه پنجاه در نظر می‌گیریم نود درصد ضربدر پنجاه پنجاه می‌شود چهل و پنج درصد، چهل و پنج درصد بر فرض تحققش ملاک‌دار بودنش فرض کنید ملاکش اگر صد درجه هم ملاک داشته باشد چهل و پنج درصدش می‌شود چهل و پنج درجه در حالی که آن شد پنجاه درجه که حالا باز اگر کمتر هم در نظر بگیریم باز هم می‌آید پایین‌تر یعنی مجموع این جهات را باید در نظر گرفت پرسش:... به هر حال می‌شود فرضی دیگر یعنی اینکه مثلاً صلاة ملاکش صد درجه‌ای باشد ولی ازاله هشتاد درجه‌ای باشد صلاة بر فرض که ملاک داشته باشد ... پاسخ: بله پرسش: خب اگر از این طرف از این حیث ازاله مثلاً نزدیک‌تر شده ... مقید به قدرت عقلیه باشد نه شرعیه اینجا خب و لو این احتمال ... و لو از حیث درجه ملاک ... ولی باید مقدم بشود دیگر ... پاسخ: نه! ببیند ... حالا فرضی باید میزان فرضش چقدر است احتمال تحقق فرضش چقدر است ببینید حالا بگذارید این را من دقیق محاسباتش را بگویم ببینید این فرض را شما در نظر بگیرید صلاة در فرضی که ملاک داشته باشد هزار درجه ملاک دارد ولی احتمال تحقق ملاکش از یک طرف احتمال شرعی بودن قدرتش ده درصد باشد شرعی بودن قدرت در ازاله چون شرط فعلیت ملاک در این هست که اولاً قدرت در ازاله شرعی باشد احتمال شرعیت قدرت در ملاک اگر ده درصد باشد این یک طرف بر فرض شرعی بودن هم احتمال اینکه او مقدم بر این باشد اگر هر دو شرعی باشند پنجاه پنجاه مثلاً در نظر بگیریم خب ده درصد در این ده درصد نصفش احتمال چیز هست می‌شود چند؟ می‌شود پنج درصد، پنج درصد در هزار درجه می‌شود پنجاه درجه احتمال حالا اگر آن طرفش حالا بیاییم روی ازاله حساب کنیم ازاله اگر بر فرض ملاک‌دار بودنش احتمالش ده باشد نه هزار ده باشد خب درست است نود درصد احتمال دارد که قدرت عقلی باشد مقدم باشد نوددرصد ملاک‌دار باشد و مقدم باشد بر فرضی که قدرت هم به اصطلاح شرعی باشد پرسش:... پاسخ: نه

بر فرض شرعیتش هم هست حالا این را، خب بر فرض عقلی نود درصد است، نود درصدِ ده درجه می‌شود چقدر می‌شود نه درجه، این یک طرف ولی از یک طرف دیگر احتمال دارد شرعی باشد بر فرض شرعی بودن آن مقدم است ولی بر فرض شرعی بودن پنجاه پنجاه است درست است آن پنجاه را صربدر آن ده می‌کنیم می‌شود پنج درجه یعنی بر فرض شرعیت درجه احتمالش پنج درجه است بر فرض عقلی بودن هم به اصطلاح،‌احتمال شرعیتش هم، احتمال شرعی بودنش هم ده درصد است خب این در واقع آن نه با ... می‌شود روی هم رفته ده درجه یعنی یک درجه هم به آن اضافه می‌شود با توجه به این نه کمتر نه و نیم در واقع اشتباه کردم یعنی احتمال دارد شرعی باشد بر فرض شرعیتش هم احتمال اینکه آن میزان اهمیتی که دارد پنجاه پنجاه است یعنی یک درصد احتمال دارد، ده درصد احتمال دارد شرعی باشد این ده درصد احتمال شرعیت پنجاه درصد هم احتمال دارد مقدم باشد و این پنجاه درصد احتمال مقدم بودن هم احتمال دارد که به آن ده درجه ملاک برسیم اینها در هم ضرب کنید می‌شود نیم درجه، پرسش:... پاسخ: محتمل هم باید حساب کنیم دیگر پرسش:... پاسخ: نه نیم درجه می‌شود ببینید احتمال دارد اولاً قدرت در آن شرعی باشد این ده درصد، این ده درصد بنابر شرعیت هم پنجاه، نصف نصف است احتمال اینکه مقدم باشد و واجب باشد می‌شود پنج درصد اگر به این پنج درصد برسید این پنج درصد چقدر ملاک گیرتان می‌آید ده درجه محتمل پنج درصدِ ده درجه می‌شود نیم، نیم درجه احتمال با آن نه می‌شود نه و نیم، نه‌ای که بنابر عقلیت بود یعنی بنابر احتمال عقلیت میزان اهمیتی که ما داریم نه، پرسش:... یعنی بر هر فرضی می‌سنجیم مثل ... بر عقلیت می‌سنجیم ... پاسخ: بر عقلیت می‌سنجیم جمع می‌کنیم پرسش:... پاسخ: جمع می‌کنیم می‌بینیم چقدر مجموع احتمالات می‌شود آن طرف شرعیه اگر آن یکی عقلی باشد اصلاً ملاک ندارد پرسش:... پاسخ: ببینید اولی که شرعیه است تکلیفش روشن است دومی ممکن است عقلیه باشد ممکن است شرعیه باشد درست است اگر عقلیه باشد این اصلاً ملاک ندارد پرسش: چرا ... پاسخ: فرض این است عقلیه بر شرعیه مقدم است هر مقدار پس بنابراین احتمال ... پرسش:... پاسخ:

باید جمع کنیم دیگر مجموع پرسش:... من عرضم این است که در مقام احتمال از یک طرف ... پاسخ: اینجا باید جمع کنیم ... صبر کنید نه عرف به نحو اینکه تمام این محاسبات را به این نحوی که این جوری بکند امثال اینها این مجموعه این نکات باعث می‌شود که به نظر می‌رسد که این را باید مقدم بدارد به نحو چیزی این خیلی فاصله دارد. ... ببینید فرض این هست که صلاة شرعی است قدرت پرسش:... پاسخ: حالا عیب ندارد .... صلاة که قدرت شرعیه است خب این صلاة‌دو صورت دارد یکی اینکه ازاله شرعی باشد همین عیب ندارد شرعیت ازاله عقلیت ازاله، قدرت در ازاله است، عقلیت قدرت در ازاله ... خب ببینید فرض این است که احتمال عقلیت قدرت نود درصد است احتمال شرعیت قدرت در ازاله ده درصد است ببینید احتمالاتی که ارزش احتمالی صلاة‌را می‌خواهیم بسنجیم اگر قدرت در ازاله عقلی باشد صلاة‌دیگر ملاک ندارد پرسش:... پاسخ: پس بنابراین فقط در فرض شرعیت آن صلاة ملاک دارد پرسش: احتمال دارد که ملاک داشته باشد پاسخ: احتمال دارد که ملاک داشته باشد پرسش: اگر ازاله عقلی باشد ... پاسخ: صلاة دیگر ترجیح دارد دیگر باعث می‌شود که آن صلاة دیگر ملاک نداشته باشد اصلاً دیگر این ده درصد را ما می‌خواهیم ببینیم که آن ده درصد احتمال شرعیت قدرت در ازاله چه جور اثر می‌گذارد در ارزش احتمالی صلاة با قدرت شرعیه ما فرض بکنیم که بر فرض شرعیت احتمال تقدیم شرعیت قدرت یعنی احتمال تقدیم ازاله بر صلاة پنجاه پنجاه باشد پس بنابر فرض شرعیت که ده درصد کل احتمالش بود پنجاه درصدش مربوط به ازاله است پنجاه درصدش مربوط به صلاة پرسش:... یعنی این تیکه دوم یعنی می‌خواهید بگویید ... اگر شرعیت این را با شرعیت آن می‌سنجیم پاسخ: یعنی بر فرض اینکه هر دو شرعیه باشد بر فرض شرعیت بالأخره شارع یکی را مقدم کرده کدام را شارع مقدم کرده؟ معمولاً ما نمی‌دانیم کدام یک از اینها مقدم است پرسش:... صلاة با قدرت شرعیه الان ده درصد احتمال ملاک‌دار بودن دارد پاسخ: ده درصد احتمال دارد زمینه ملاک‌داری رویش باشد پرسش:... ضرب کنیم دیگر پاسخ: ده درصد ضربدر پنجاه درصد هزار درجه مثلاً ملاک باشد پرسش:... پاسخ: می‌گوییم بر

فرضی که قدرتش موضوع داشته باشد درجه محتملش هزار است پرسش:... پاسخ: خیلی مهم است به شرطی که موضوع داشته باشد پرسش:... چرا صلاة را مگر آن ده درصد مال ... پاسخ: ده درصد احتمالش بود پرسش:... پاسخ: این درجه احتمالی است یعنی درجه محتمل است اگر صلاة ملاک داشته باشد پرسش:... مال صلاة است این ده درصد پاسخ: این مال صلاة‌است داریم ملاکهای صلاة را در نظر می‌گیریم می‌گوییم ملاک صلاة شرطش این است که قدرت در ازاله شرعی باشد اگر قدرت در ازاله شرعی باشد که ده درصد است و صلاة هم در فرض شرعیت مقدم باشد که احتمالش پنجاه درصد است پرسش:... از آن طرف... پاسخ: پنجاه از این طرف و درجه اهمیت صلاة هزار درجه است می‌شود چند مجموعش؟ می‌شود پنجاه پرسش:... این ده درجه هم اضافه ... پاسخ: ده درجه برای چی؟ پرسش:... پاسخ: حالا آن را می‌رسیم هنوز ما ازاله را حساب نکردیم پرسش:... پاسخ: می‌شود پنجاه پرسش:... حاج آقا این ده درصد چی هست پاسخ: این احتمال ملاک‌دار بودن صلاة به خاطر شرعیت قدرت در ازاله پرسش:... ... قدرتش قدرت شرعیه باشد پاسخ: نه ده درصد احتمال می‌دهیم قدرتش شرعیه باشد در ازاله که در نتیجه تازه صلاة قدرت داشته باشد در نتیجه صلاة احتمال ملاک‌دار بودنش باشد یعنی اگر قدرت در ازاله عقلی باشد که صلاة قطعاً ملاک ندارد آنکه هیچ آن نود درصد را بگذارید کنار فقط ده درصد احتمال دارد که صلاة زمینه تازه احتمال دارد که که احتمال ملاک در آن باشد یعنی شرعیت قدرت در ازاله سبب می‌شود که پرسش:... احتمال بشود زمینه بشود پاسخ: زمینه بشود تازه اینکه آن ملاک‌دار باشد خب این در مورد با قدرت شرعیه اما حالا بیاییم روی ازاله، ازاله هر دو صورتش چه ده درصد باشد چه نود درصد باشد احتمال ملاک‌داری در آن هست چطور؟ یکی بیاییم محاسبه کنیم فرض کنید این جوری در نظر می‌گیریم ازاله ملاکش ده درجه است اگر موضوعش محقق باشد ملاکش ده درجه است خب اگر قدرت عقلی باشد نود درصد احتمال هست نود ضربدر صد ضربدر ده درجه می‌شود چقدر؟ می‌شود نه درجه به منزله نه درجه است خب اگر احتمال شرعی باشد قدرت شرعی باشد ده درجه بود دیگر

ده درجه دوباره ضربدر پنجاه درصد پرسش:... پاسخ: چون بنابر شرعیتش باز هم ممکن است صلاة مقدم باشد ممکن است ازاله مقدم باشد پنجاه پنجاه است دیگر پرسش:... آنجا یک ضربدر را نزدیم آنجا چرا عقلیت را چیز نکردید پاسخ: چون بر فرضی که عقلیت باشد حتماً مقدم است پرسش: خب چرا صد نزدیم آنجا ... پاسخ: صدرصد یعنی یک دیگر فایده ندارد که صددرصد پرسش:... خب درجه چیز را می‌برد بالا ... پاسخ: صددرصد یعنی یک، یک را که ضرب کنید درجه را بالا نمی‌برید که خب ده درصدر ضربدر پنجاه درصد ضربدر ده می‌شود نیم پرسش:... این درصد شرعی است پاسخ: بله این نیم با آن نه جمع می‌شود، می‌شود نه و نیم پرسش:... پاسخ: به دلیل اینکه مجموع احتمالات ما این است یعنی ممکن است عقلی باشد نه درجه به درد ما می‌خورد ممکن است شرعی باشد نیم درجه پرسش:... مجموع احتمالات را باید باهم بسنجیم دیگر پاسخ: فرض کنید که ببینید ما دو راه داریم اگر من هم از این راه بروم هم از آن راه بروم یعنی فرض این است که این شرعیت قدرت می‌گوییم اگر قدرت شرعی باشد باز احتمالاتش هم در نظر گرفتیم احتمال نود درصدی قدرت عقلیه نه درجه برای ما ارزش دارد احتمال ده درصدی شرعیت قدرت در ازاله نیم درجه برای ما ارزش دارد پرسش:... اگر قدرت عقلی باشد اینجا اصلاً صلاة که می‌رود کنار دیگر کلاً ... پاسخ: بله پرسش:... پس ما تمام کارمان باید اینجا این باشد که بفهمیم قدرت عقلی هست یعنی ضریب احتمال عقلیت شرعیت را ... پاسخ: نه پرسش:... اگر ضریب احتمال عقلیت بالا باشد دیگر اصلاً ... پاسخ: نه چون درجه محتملش باید در نظر بگیرید ببینید این و لو نود درصد است ولی نود درصد نه درجه احتمال دارد پرسش:... ذیل بحث شرعیت قدرت ... پاسخ: بله ولی بحث سر این هست که پرسش:... این دوتا را باهم جمع می‌کنیم ... پاسخ: ... یعنی نود درصد احتمال عقلیت قدرت نه درجه برای ما ارزش دارد ده درصد احتمال شرعیت قدرت در ازاله، نیم درصد ما هر دو احتمال را می‌دهیم هم احتمال عقلیت را می‌دهیم ارزشی که آن احتمال برای ما ایجاد می‌کند آن را باید در نظر بگیریم هم احتمال شرعیت را می‌دهیم یعنی مجموع احتمالات ما، مجموع احتمالات عقلیت و

شرعیت است خب باید جمع کنیم نود درصد و ده درصد روی هم می‌شود چقدر؟ یک دیگر یعنی ارزشی که عقلیت احتمال برای ملاک ازاله ایجاد می‌کند ملاک ازاله را نه درجه احتمالی ارزش به آن می‌دهد شرعیتش هم نیم درجه پرسش:... حالا این دوتا را با هم جمع می‌کنیم با آن می‌سنجیم پاسخ: بله این می‌شود نه و نیم آن می‌شود پنجاه پرسش:... برویم سراغ بداهت الان نود درجه احتمال دارد این عقلی باشد ... پاسخ: بله محتملش هم خیلی ضعیف است پرسش:... اصلاً کار به محتمل نداریم ... پاسخ: چرا کار نداریم؟ نود درصد دارد اگر آن عقلیت پرسش:... پاسخ: در فرض عقلیتش پرسش:... در فرض عقلیتش نود درصد است ... پاسخ: نه اینکه واضح است شما یک قدری فکر کنید این دو دوتا چهارتاست رویش فکر کنید این چیزی نیست که بشود مو لای درزش برود این چیزهایی نیست که به اصطلاح این برهانی ریاضی است اینها،‌اینها برهانی ریاضی دو دوتا چهارتا است این را رویش اصلاً چیز نکنید پرسش:... پاسخ: نه ارزش یک احتمال ارزش یک شیء وابسته به درصد تحققش به اصطلاح صرب میزان احتمال در محتمل است دیگر اینکه اصل اولیه آمار است دیگر پرسش: ... ارزش خود ازاله واجب بودنش ارزش خیلی پایین است مثلاً ... پاسخ: اگر باشد گفته بود دیگر بنده خدایی دم دریا ایستاده بود یک دانه کاسه را گرفته بود ماست ... گفتند داری چکار می‌کنی؟ گفت می‌خواهد این دریا را دوغ درست کنم گفتند با یک کاسه که نمی‌شود گفت اگر بشود چی می‌شود! حالا اینها هم اگر بشود چی می‌شود! است.

خب این عرض من این هست که بنابراین این جوری نحوه محاسبه یعنی محاسبه‌ای که ما می‌خواهیم بکنیم هم باید شرعیت قدرت را در نظر بگیریم هم عقلیت را آنجایی که هر دو شرعی بودند دیگر این احتمال ده درصد و نود درصد می‌رفت پی کارش خب هر دو احتمال دارند به اصطلاح روشن هست که شرعی هستند آن وقت فرض هم این هست که هیچ گونه از آن مرجح بودن سبق تحقق موضوع را هم قبول نداریم با این فرض پیش رفتیم محاسباتش همین بود که عرض کردم پرسش:... این ناحیه‌ای که شما می‌فرمایید احتمال محتمل را می‌سنجیم در هر طرف درست اگر فرض کنیم در اینجا تردیدی وجود ندارد

پاسخ: همیشه ما در واقع در همه اینها درصدهای احتمالات یعنی چند احتمال در احتمال،‌احتمال در احتمال ضرب دوتا احتمال است یعنی همیشه قانون کلی این هست که ببینید درصد یک احتمال، احتمال مشروط به احتمال ضرب آن دوتاست دیگر یعنی بر فرض اینکه این ده درصد تحقق پیدا کند احتمال مطلوب ما هم ده درصد است آن ده درصد در این ده درصد ضرب می‌شود بر فرضی که مجموع این احتمال را در نظر گرفتیم در آن محتمل کلی ضرب می‌کنیم همه اینها یک قانون است یعنی همه اینها برای محاسبه ارزش احتمالی درجه احتمال را ضربدر درجه محتمل کردیم درجه احتمال، ولی این درجه احتمال چون دوتا احتمال مشروط به هم در آن وجود دارد احتمال اولی در احتمال دومی باید در هم ضرب می‌شود این عقلیت ما می‌گوییم بر فرضی که عقلی باشد که نود درصد است بر آن فرض قطعاً مقدم است دیگر نود درصد ضربدر صددرصد بعد ضربدر ده برای اینکه چیز باشد شما نود درصد ضربدر صددرصد ضربدر ده بکنید که دیگر چیزش پرسش:... پاسخ: می‌گویید چرا اینجا یکدانه ضرب کردید آنجا، نود درصد ضربدر صددرصد ضربدر نه این جوری یعنی بر فرض عقلیت صددرصد ملاک مال این است و آن یکی دیگر ملاک ندارد صددرصد مقدم است پس بنابراین همیشه احتمال اولی را در نظر می‌گیریم بر فرض احتمال باز احتمال در احتمال است احتمال در احتمال را در نظر می‌گیریم در درجه محتمل ضرب می‌کنیم این محاسبه شده پرسش:... ده درجه هم در هر دو تا هست ... پاسخ: ده درجه در ازاله هست ولی بنابر عقلیت، عقلیت نود درصد نه ده درجه بله، پرسش:... پاسخ: ده درجه بله دیگر مربوط به ازاله است دیگر.

اگر فرض کنید بنابر احتمال شرعیت قدرت آن محتمل واقعی فرق داشته باشد اگر شرعی باشد مثلاً احتمالش خیلی زیاد است اگر عقلی باشد احتمالش کم است اگر آنها هم متفاوت باشد آن وقت آن ده‌ها را که در اینها گذاشتیم باید فرق بگذاریم این هم ممکن هست یعنی بحث این هست که ما اینجا فرض کردیم که ازاله بر فرض شرعیت و بر فرض عقلیت ملاکش یکی است ولی اگر درجه اهمیتش بر فرض

شرعیت با درجه اهمیت ازاله بر فرض عقلیت یا قدرت فرق داشته باشد آن هم باید فرق بگذاریم و بعد جمع کنیم قانونش همین است دیگر

پرسش: اینکه نود درصد احتمال عقلی بودن داشته باشد خب مثلاً چیز مثال متعارفی است ولی آن طرف اینکه آن ده درجه باشد آن هزار درجه با این احتمال محتمل خیلی ... پاسخ: نه فرض کنید یک طرفش قتل باشد این خیلی وقتها فرض کنید که در یک شرایطی فرض کنید من حالا بحث چیز را نمی‌خواهم بگویم بحث شرعی و غیر شرعی بحثهایی که به مسائل امنیتی وابسته می‌شود که کل یک نظام را تهدید می‌کند حالا نظام شرعی باشد غیر شرعی باشد آن اصلاً مهم نیست در چیزهایی که به مسائل امنیتی مرتبط هست نظامها این قدر حساسیت به خرج می‌دهند یعنی چیزهایی که کل نظامشان را تهدید می‌کند پرسش:... محتملش قوی است .... پاسخ: محتملش خیلی قوی است احتمالش و لو ضعیف هم باشد حساسیت به خرج می‌دهند یعنی حساسیتهای گاهی اوقات درصدهایی که باعث می‌شود که بعضی کارها را انجام بدهند در یک می‌گویم بحث من بحث شرعیت و عقلیت قضایا نیست بحث این است که در هر نظامی مسائل وقتی تهدید کیان آن نظام را پیدا کرد آن تهدید کیان نظام را درجه احتمال کمش هم برایشان مهم است این باعث می‌شود که خیلی آن برایش اهمیت قائل بشوند با درجات کم هم آن را کاری بکنند که آن چیز تحقق پیدا نکند خب حالا اینها بر فرضی بود که ما به تقدم سبق موضوع را نگوییم اگر تقدم سبق موضوع را بگوییم آن هم محاسبه‌اش را فردا عرض می‌کنم پرسش:... پاسخ: بله حالا این محاسبه را فردا می‌گویم جایی که هر دو جا محتملات وجود دارد آن هم باز محاسبات مثل همین است احتمالاتش را باید فرض کرد اگر این قدرت شرعیه باشد آن قدرت عقلیه باشد یعنی چهار احتمال هست هر چهار احتمال را باید یکی یکی محاسبه کرد با هم جمع کرد نحوه محاسبه‌اش این را فردا عرض خواهم کرد.

«و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین»